

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



دانشگاه تهران

دانشکده اقتصاد

مقایسه علل توسعه از منظر اقتصاد نهادگرایی و اقتصاد اسلامی

نگارش : امید قنبرنسب

استاد راهنما : دکتر محمود مشهدی احمد

استاد مشاور : دکتر حسن سبحانی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته اقتصاد اسلامی

شهریور ۹۸

بسمه تعالی

کاربرگ شماره ۳

صورجلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد



گروه آموزشی: **آمنی**

دانشگاه: **آمنی**

پردیس: **آمنی**

حاج آقای امید قنبرنسب دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته اقتصاد اسلامی گرایش - به شماره دانشجویی ۴۴۰۴۹۵۰۱۹ دارای پایان نامه با عنوان: **مقایسه علل توسعه از منظر اقتصاد نهادگرایی و اقتصاد اسلامی** با تأیید و امضاء اینجانب جناب آقای دکتر مشهدی احمد به عنوان استاد راهنمای اول و عضو هیات علمی پردیس / دانشکده / مرکز / موسسه: **دانشکده اقتصاد** دانشگاه تهران می باشد.

نام و نام خانوادگی استاد راهنما: **[Signature]**
امضاء و تاریخ: **۱۸/۶/۹۸**

برگزاری جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد

جلسه دفاعیه نامبرده با حضور هیات داوران در تاریخ ۹۸/۶/۳۱ تشکیل شد و بر اساس کیفیت پایان نامه، ارائه دفاعیه و نحوه پاسخ به سؤالات، رای نهایی به شرح ذیل اعلام گردید:

پایان نامه مورد قبول می باشد. / پایان نامه مورد قبول نمی باشد. / پایان نامه با اصلاحات مورد قبول می باشد. (مهلت اصلاحات حداکثر تا تاریخ:)

تعداد واحد پایان نامه: **۴** درجه پایان نامه: **خیلی خوب** نمره پایان نامه: **۱۸٫۶** به عدد: **۱۸٫۶** به حروف: **هجده شانزده صد**

مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
استاد راهنمای اول:	جناب آقای دکتر مشهدی احمد	استادیار	دانشگاه تهران	[Signature]
استاد راهنمای دوم:				
استاد مشاور:	جناب آقای دکتر سبحانی	استاد	دانشگاه تهران	[Signature]
داور داخلی:	جناب آقای دکتر توحیدی نیا	استادیار	دانشگاه تهران	[Signature]
داور خارجی:				
نماینده تحصیلات تکمیلی (عضو هیات علمی)	سرکار خانم دکتر بهرامپور	استادیار	دانشگاه تهران	[Signature]

نام و نام خانوادگی معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی: **[Signature]**
پردیس / دانشکده / مرکز / موسسه: **آمنی**
امضاء و تاریخ: **۹۸/۶/۳۱**

نام و نام خانوادگی رئیس اسپرپرست پردیس / دانشکده / مرکز / موسسه: **[Signature]**
امضاء و تاریخ: **۹۸/۶/۳۱**



جمهوری اسلامی ایران
دانشگاه تهران

اداره کل تحصیلات تکمیلی

شماره _____
تاریخ _____
پوست _____

باسمه تعالی

تمهید نامه اصالت اثر

اینجانب **امیر قزوينی** متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مأخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای اجراء هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد. کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء

امیر قزوينی

آدرس : نهبان التلاب اول عیابان لمر وازی - پلاک ۵ - کد پستی : ۱۳۰۱۵/۵۶۸

فکس : ۶۱۹۷۳۱۱

چکیده:

توسعه از چالشی ترین و بحث برانگیزترین مباحث اقتصادی در میان اندیشمندان اقتصادی است. رابطه توسعه با مولفه‌هایی همچون عدالت، دولت، حقوق مالکیت و... همواره مورد بررسی قرار گرفته‌است. هرکدام از اندیشمندان و مکاتب اقتصادی مولفه‌هایی را برای توسعه مهم شمرده‌اند. ما سعی کرده‌ایم تا به بررسی دو دیدگاه اقتصاد نهادگرایی، با تاکید بر آرای نورث و عجم‌اوغلو و دیدگاه اقتصاد اسلامی بپردازیم.

اقتصاد نهادگرا با تاکید بر مولفه‌های حقوق مالکیت، دولت، دموکراسی، نظام آزاد دسترسی به منابع و امکانات و... به توسعه نگاه می‌کند. از دید اقتصاد نهادی، مهم‌ترین رکن برای نیل به توسعه حرکت از نهادهای غیر دموکراتیک به سوی نهادهای دموکراتیک است. زیرا فقط در پرتوی این نهادهاست که سیاست‌مداران، در جهت اهداف و برآورده کردن مشکلات مردم و بازگذاشتن عرصه برای فعالیت‌های نو و جدید ملزم خواهند شد. از دید آن‌ها، نهادهای غیردموکراتیک، تنها برای حفظ منافع اقلیت در قدرت تلاش خواهند کرد و محیط را برای فعالیت‌های اقتصادی و ابداعات جدید تنگ خواهند کرد.

اقتصاد اسلامی هم تاکید بر عدالت، دولت، ایمان، اخلاق و... را در دستور کار خود دارد. اقتصاد اسلامی، توسعه را وقتی محقق شده می‌داند که پیشتر عدالت برقرار شده باشد. در واقع زمانی که عدالت به معنای احقاق حق، محقق شود و افراد به حقوق خودشان دست یابند، توسعه و رشد و ابداع و خلاقیت نمایان خواهد شد. از دید اقتصاددانان اسلامی، ایمان به عنوان تنها شرط و رکن اصلی برای تشویق مردم به رعایت اخلاق و عدالت تنها راه برای نهادینه کردن عدالت در جامعه است.

دو دیدگاه نهادگرا و اسلامی، در بیان مولفه‌ها و علل توسعه با هم اشتراکات و تفاوت‌هایی دارند. مهم‌ترین عرصه اشتراک این دو رویکرد تاکید نقش‌آفرینی دولت در فرایند توسعه است. شاید تاکید اسلام بر اهمیت ایمان برای اهداف توسعه‌ای و تاکید بیشتر نهادگرایی بر اهمیت نهادها و دموکراسی در فرایند توسعه را بتوان نقاط تمایز این دو دیدگاه دانست.

فهرست

۲	فصل ۱: کلیات
۳	۱-۱- مقدمه
۳	۲-۱- تعریف مسئله
۴	۳-۱- اهمیت
۵	۴-۱- پیشینه تحقیق
۷	۵-۱- سوالات تحقیق
۷	۶-۱- اهداف
۷	۷-۱- روش تحقیق
۸	۸-۱- ساختار پژوهش
۹	فصل ۲: دلایل توسعه یافتگی از منظر اقتصاد نهاد گرائی
۱۰	۱-۲- مقدمه
۱۰	۲-۲- اقتصاد نهادی جدید
۱۲	۳-۲- مولفه‌های توسعه از منظر نورث
۱۳	۴-۲- نقش نهادها
۱۳	۱-۴-۲- تعریف نهاد
۱۴	۲-۴-۲- سازمان‌ها و نهادها
۱۵	۲-۵- حقوق مالکیت
۱۵	۲-۵-۱- اهمیت حقوق مالکیت
۱۷	۲-۵-۲- ابداع، مهم‌ترین اثر برقراری حقوق مالکیت کارآمد
۱۷	۲-۶- دولت
۱۷	۲-۶-۱- ضرورت توجه به دولت
۱۸	۲-۶-۲- دولت‌های موجد توسعه و دولت‌های مانع توسعه
۲۰	۲-۷- ذخایر دانش و وابستگی به مسیر
۲۲	۲-۸- نظریه نهادگرایی جدید
۲۲	۲-۸-۱- نقش نهادها
۲۳	۲-۸-۲- نقش نهادهای سیاسی بر عملکرد اقتصادی
۲۴	۲-۸-۳- نظم محدود در مقابل نظم با دسترسی آزاد
۲۶	۲-۸-۴- انگلیس و اسپانیا؛ دو مسیر متفاوت
۲۷	۲-۸-۵- کره شمالی در برابر کره جنوبی
۲۹	۲-۸-۶- نهادهای مانع توسعه و راهحل اصلاح آن‌ها

۳۱	۹-۲- ایرادات دموکراسی
۳۳	۱۰-۲- نتیجه گیری
۳۴	فصل ۳: علل توسعه از منظر اقتصاد اسلامی
۳۵	۱-۳- علل توسعه از منظر اقتصاد اسلامی
۳۵	۱-۱-۳- مقدمه
۳۶	۲-۳- نظریات توسعه اسلامی
۳۸	۳-۳- مولفه‌های توسعه از منظر اقتصاد اسلامی
۳۸	۱-۳-۳- عدالت
۳۸	۱-۱-۳-۳- تعریف عدالت
۳۹	۲-۱-۳-۳- اهمیت عدالت
۳۹	۳-۱-۳-۳- نگرش‌ها درباره نقش عدالت در توسعه
۴۲	۴-۱-۳-۳- جمع‌بندی
۴۳	۲-۳-۳- ایمان
۴۴	۱-۲-۳-۳- نقش ایمان در اجرایی شدن اخلاق و عدالت در جامعه
۴۷	۳-۳-۳- دولت
۴۷	۱-۳-۳-۳- اهمیت دولت در برقراری عدالت و توسعه
۴۸	۲-۳-۳-۳- وظایف دولت اسلامی
۴۹	۳-۳-۳-۳- دلیل افول کشورهای اسلامی و راه‌حل اصلاح آن
۵۰	۴-۳-۳-۳- اصلاح حاکمان و تحدید حکومت‌ها
۵۱	۱-۴-۳-۳-۳- مکانیسم اول؛ دموکراسی
۵۲	۲-۴-۳-۳-۳- مکانیسم دوم؛ تقوا
۵۴	۴-۳- نظریه اقتصاد اسلامی
۵۶	۱-۴-۳- اصلاح انسان نقطه شروع
۵۷	۲-۴-۳- مثال تاریخی
۵۸	۵-۳- نتیجه گیری
۶۰	فصل ۴: مقایسه اقتصاد نهادی و اقتصاد اسلامی
۶۱	۱-۴- مقدمه
۶۱	۲-۴- مقایسه اقتصاد نهادی با اقتصاد اسلامی در باره توسعه یافتگی
۶۲	۱-۲-۴- عامل؛ نهادها و ایمان
۶۶	۲-۲-۴- مسیر؛ عدالت و حقوق مالکیت
۶۸	۳-۲-۴- مجری؛ دولت
۷۲	فصل پنجم: جمع‌بندی
۷۳	۱-۵- جمع‌بندی
۷۵	فهرست منابع و ماخذ:

فصل ۱: کلیات

پیشرفت اقتصادی کشورها و عقب ماندگی جوامع از جمله موضوعات مورد علاقه‌ی محققان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی و بخصوص اقتصاد بوده است. این بدان علت است که محققان مایل به کشف علل این پدیده‌ها هستند تا بتوانند جوامع‌شان را در مسیر توسعه نگه دارند یا به توسعه برسانند. به همین دلیل ظهور اقتصاد توسعه موضوع بدیعی نیست. غایت نظریه‌های اقتصادی حل مشکلات و معضلات اجتماعی، و حتی فراتر از این، واکاوی راه‌هایی برای بهبود زندگی بشر و فراهم آوردن بستر رفاهی مناسب برای مردم است. این امر تنها با بررسی عوامل موثر بر توسعه و بررسی آن‌ها ممکن خواهد بود. اندیشمندان و مکاتب اقتصادی مختلف نظرات متفاوتی در باب علل توسعه یافتگی ارائه می‌کنند. مثل نظریات و الگوهای جغرافیایی که علت توسعه نیافتگی برخی کشورها را به موقعیت جغرافیایی کشورها نسبت می‌دهند، الگوهای مبتنی بر فرهنگ که برخی اخلاقیات و فرهنگ کار و قبول و پذیرش تکنولوژی از سوی جوامع یا حتی دیانت را دلیلی برای عقب ماندگی عنوان می‌کنند یا الگوهای مبتنی بر جهل که عقب‌ماندگی حاکمان و روشنفکران جوامع را علت توسعه نیافتگی آن‌ها می‌دانند. اقتصاد نهادگرا و اسلامی هم به عنوان رویکردهایی در علم اقتصاد که نگرش‌های توسعه‌ای دارند، از ظرفیت بالایی برای تحلیل در مورد توسعه و بررسی علل فقر برخوردارند.

۱-۲- تعریف مسئله

در این میان اقتصاددانان نهادگرا و اقتصاددانانی که رویکردهای اسلامی دارند سعی می‌کنند عوامل ایجاد توسعه اقتصادی را مطرح کنند و مهمترین مولفه‌ها و عللی را که باعث توسعه اقتصادی می‌شوند شناسایی کنند. اقتصاددانان نهادگرا به نقش نهادها در توسعه اقتصادی به عنوان قواعد بازی در اقتصاد تاکید دارند. برخی نهادگرایان معتقدند که نهادهای فراگیر موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم می‌کنند و از طرف دیگر نهادهایی که در جهت بهره‌کشی هستند موجبات عقب‌ماندگی جوامع را رقم خواهند زد. در واقع نهادها به عنوان قواعد بازی در جامعه زمانی می‌توانند به توسعه اقتصادی کمک کنند که عملکردشان در جهت پاداش دادن به عوامل موجد توسعه و مجازات‌ها نهادی متوجه عوامل عقب‌ماندگی باشد.

اقتصاددانان اسلامی هم سعی دارند تا با رویکردهای مختلف به موضوع توسعه نگاه کنند و عوامل آن را شناسایی کنند. نقش دیانت در توسعه، نقش و عملکردها نهادها، اهمیت حقوق مالکیت، توجه به عدالت، اجرای احکام شریعت و قانون، حکمرانی عادلانه و مردم سالارانه از مهمترین مولفه‌های مورد توجه اقتصاددانان مسلمان برای تبیین علت توسعه اقتصادی است. در این بین اما تاکید بر عدالت اقتصادی در مسیر توسعه از مهمترین نکات مورد تاکید اقتصاددانان مسلمان بوده است. آنان مدعی‌اند که عدالت به عنوان مهمترین عامل توسعه اقتصادی نقش ایفا می‌کند و این نقش از تعریف عدالت مشخص می‌شود. وقتی هر صاحب حقی به حق خود برسد. در واقع استعدادهای افراد شکوفا خواهد شد و انگیزه‌ها برای فعالیت اقتصادی بوجود خواهد آمد.

حال ما در این پایان نامه قصد داریم تا با مقایسه این دو رویکرد قرابت‌ها و تفاوت‌های رویکردهای نهادگرایی و اقتصاد اسلامی را مشخص کنیم.

۱-۳- اهمیت

اینکه چرا کشورها عموماً به دو گروه توسعه یافته و درحال توسعه تقسیم می‌شوند و چرا برخی در فقر و برخی دیگر برخوردار از درآمدهای بالا هستند یا تفاوت‌های آموزشی، بهداشتی، امید به زندگی، برخورداری از حقوق اجتماعی و مردم سالاری در کشورهای جهان وجود دارد باعث می‌شود تا موضوع توسعه و عوامل موثر بر توسعه و پیشرفت اقتصادی کشورها با اهمیت شود. اقتصاددانان مختلف بینش‌های متفاوتی در خصوص اهمیت نسبی شرایط و عواملی دارند که بعضی کشورها را ثروتمندتر از برخی دیگر می‌سازند.

کاستی‌های اقتصاد نئوکلاسیک در تبیین‌های اقتصادی و توسعه‌ای کم و بیش آشکار است تا آنجا که برخی معتقدند که پیگیری آموزه‌های اقتصاد نئوکلاسیک نه تنها باعث توسعه نمی‌شود بلکه آثار زیانباری برای جوامع خواهد داشت. این رویکرد با آنچه در جهان واقع اتفاق می‌افتد بیگانه است. جهان واقع پیچیده‌تر از آن است که بتوان با جادوی بازار آن را تحلیل کرد. همین کاستی‌ها و نقاط ضعف رویکرد غالب اقتصاد باعث شده است تا ما به بررسی رویکردهای هترودوکس اقتصادی بپردازیم و از این دو رویکرد برای تبیین واقع‌بینانه‌تر استفاده کنیم.

اقتصاددانان نهادگرا با توجه به رویکرد نهادی و اهمیت دادن به عوامل واقعی-تاریخی-نهادی در مباحث خود به مسائل اقتصادی از قوت تحلیلی بالایی برخوردارند و چون موضوعات را از منظرهای مختلف نهادی و اجتماعی بررسی می‌کنند، تبیینی واقع‌بینانه‌تر از اقتصاددانان متعارف ارائه می‌کنند، می‌توانند کمک شایانی به فهم علت توسعه و راهکارهای ایجاد آن کنند. از طرف دیگر اقتصاددانان اسلامی هم با توجه به اینکه شناخت عمیق‌تر و دقیق‌تری نسبت به جوامع اسلامی و واقعیات آن‌ها دارند تبیینی نزدیک‌تر به واقع در مورد کشورهای اسلامی ارائه می‌کنند.

کشور اسلامی ما بعد از انقلاب اسلامی همواره به دنبال رویکردی واقع‌بینانه و جامع در توسعه اقتصادی بوده است که بتواند با در نظر گرفتن نهاد اسلام، الگوی توسعه متناسب با شرایط خود را تبیین کند. در همین راستا می‌توان با کمک و توجه به اقتصاد نهادگرا به عنوان رویکردی واقع‌بینانه و همچنین اقتصاد اسلامی به عنوان رویکردی که توجه به اسلام و اصل موضوعه‌ی عدالت دارد به این هدف مهم یعنی کسب الگوی توسعه اسلامی مطلوب دست پیدا کند.

۱-۴- پیشینه تحقیق

محمد عمر چپرا در مقاله‌ی تئوری توسعه ابن خلدون، یک تئوری پویا و چند رشته‌ای از ابن خلدون را برای توضیح رشد و سقوط جوامع اسلامی بیان می‌کند که در آن عوامل اقتصادی-اجتماعی مختلفی همچون اقتدار سیاسی یا حکمرانی، اعتقادات یا قوانین رفتاری یا شریعت، مردم، ثروت و منابع مالی، توسعه و عدالت در پیوندی دایره‌وار و به هم وابسته با تاثیر بر هم باعث رشد یا سقوط جوامع می‌شوند. عمر چپرا در این مقاله با بیان مشکلات کنونی جوامع اسلامی همچون عدم وجود دموکراسی و حکومت سلطنتی، شاخص توسعه انسانی پایین، عدم توجه به دستورات شریعت و... به تحلیل مشکلات جوامع اسلامی می‌پردازد و راه‌حلهایی همچون بهبود نظام آموزشی، بهبود فقر، اصلاحات سیاسی و نهادی را بیان کرده و اسلام را همچون کاتالیزوری می‌داند که می‌تواند با قدرت اخلاقی و معنوی فوق‌العاده‌ای که دارد با گسترش صفات پسندیده‌ای همچون درستکاری، صداقت، پشتکار، احترام به حقوق افراد و... توسعه کشورهای اسلامی را تسریع بخشد. عمر چپرا سرانجام نتیجه می‌گیرد که اسلام نه تنها مانعی در راه توسعه نیست بلکه می‌تواند از طریق اهمیت دادن به نهادهای سیاسی و دموکراسی و همچنین مذبوم دانستن جرایم اقتصادی مثل رشوه و فساد به توسعه اقتصادی کمک شایانی کند.

دکتر سید نواب حیدر نقوی در کتاب اقتصاد توسعه یک الگوی جدید، با نقدی بر رویکرد اقتصاددانان لیبرال بر توسعه اقتصادی بیان می‌کند که اقتصاد مرسوم توجه کافی به عدالت اجتماعی و توزیع درآمد ندارد، وی توسعه‌ی اقتصادی را زمانی ارزشمند می‌داند که به رفاه اجتماعی و عدالت اجتماعی بانجامد. ایشان همچنین معتقدند اقتصاد نئوکلاسیک با آنچه در جهان واقع اتفاق می‌افتد بیگانه است و دست نامرئی و جادوی بازار از طریق خصوصی سازی نمی‌تواند منجر به توسعه‌ی اقتصادی شود. و بازار آزاد در وضعیت نااطمینانی عموماً قادر به انتخاب بهینه اجتماعی نیست. ایشان با تذکر نقش دولت در توسعه، بیان می‌کند که توسعه بدون ایجاد تغییرهای عمیقی در نهادهای اجتماعی به خصوص در زمینه‌ی توزیع ثروت و درآمد، به وقوع نخواهد پیوست. آقای نقوی در فرآیند توسعه برای اخلاق نقش والایی قائل می‌شوند و معتقدند با ورود اخلاق به اقتصاد، فرآیند توسعه ضمانتی برای تحقق پیدا می‌کند، درباره‌ی رابطه‌ی اخلاق و توسعه دکتر نقوی این چنین می‌نویسد: «در اقتصاد توسعه باید نظریه‌ای در زمینه انگیزه انسان به وجود آید که منحصر به حداکثر رساندن سود شخصی استوار نباشد و بتواند بنگاه‌های اقتصادی را تا آنجا که ممکن است در مورد ارزش‌های اخلاقی مثل اعتقاد به رستگاری عموم افراد بشر و همدردی و تعهد نسبت به دیگران، حساس سازد». در اقتصاد توسعه نیز قوانین و نهادهای، صرف نظر از درجه کارایی، موجب ناعدالتی باشند، باید اصلاح یا محو شوند.

زهره تقی پور در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان رویکرد نهادی به توسعه با تاکید بر آرای عجم اوغلو، نهادگرایی و اقتصاد نهادی را در توضیح علل تفاوت درآمدی و توسعه‌ای کشورهای موفق می‌داند و معتقد است عجم اوغلو به دلیل فاصله گرفتن از مدل‌های رشد متعارف و تاکید بر نهادهای سیاسی و توزیع منابع در عملکرد اقتصادی توانسته است مدلی موفق برای تبیین علت توسعه در کشورها تبیین کند. این مدل وجود نهادهای (فراگیر) را شرط اصلی برای توسعه معرفی می‌کند و علت عقب ماندگی کشورها را وجود نهادهای سیاسی و اقتصادی بهره‌کش می‌داند. ایشان در پایان‌نامه‌ی خود ضمن تاکید بر اهمیت نهادها و علت تفاوت نهادی در کشورهای مختلف، نتیجه می‌گیرد که از نظر دارون عجم اوغلو، واگرایی بزرگ در سطوح کامیابی که در طول ۲۵۰ سال گذشته اتفاق افتاده است، نتیجه‌ی داشتن نهادهای بسیار متفاوت در جوامع است. به گونه‌ای که نهادهای فراگیر یا کارآمد منجر به توسعه و پیشرفت جوامع و نهادهای بهره‌کش یا ناکارآمد موجب عقب افتادگی کشورها می‌شوند.

سید حمید جوشقانی نائینی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان، تطور مفهومی نهاد و دلالت‌های آن بر مطالعات اقتصاد اسلامی و اقتصاد ایران، به رفع ابهام از مفهوم نهاد در تحلیل‌های اقتصادی تاکید دارند و ضمن تعریف مفاهیم مختلف نهاد از منظر نهادگرایان قدیم و جدید، فهم گسترده نهاد را در تعمیق مباحث نهادی در حوزه اقتصاد اسلامی و اقتصاد ایران مفید می‌دانند و معتقدند: آشنایی با مفهوم نهاد زمینه را برای ورود به مباحثی همچون شناخت ماهیت نهاد، امکان ارائه تعریف واحد از آن، تفاوت تعریف در اثر تفاوت نظام اقتصادی به عنوان بستر مطالعاتی آن، عملکرد نهاد، تغییرات نهادی، تاثیرات نهاد بر عملکرد اقتصاد و رفتار اقتصادی و... هموار می‌کند.

۱-۵- سوالات تحقیق

- ۱- برداشت دو رویکرد اقتصادی نهادگرا و اسلامی درباره علل توسعه اقتصادی چیست؟
- ۲- این دو رویکرد اقتصادی چه قرابت‌ها و تفاوت‌هایی در تبیین علل ایجاد توسعه با هم دارند؟
- ۳- نقش نهادها در توسعه اقتصادی چیست؟ آیا پیگیری عدالت می‌تواند به توسعه اقتصادی کمک کند؟

۱-۶- اهداف

بررسی دیدگاه‌های اقتصاد اسلامی و اقتصاد نهادگرایی جدید درباره علل توسعه‌یافتگی و همچنین یافتن مهم‌ترین مولفه‌های توسعه.

کشف قرابت‌ها و تفاوت‌های دو نگرش اقتصاد نهادگرایی جدید و اقتصادی اسلامی درباره توسعه اقتصادی.

۱-۷- روش تحقیق

روش مطالعه به صورت اسنادی و تحلیلی مقایسه‌ای می‌باشد. برای این منظور از روش کتابخانه‌ای و متنی استفاده خواهیم کرد.

۱-۸- ساختار پژوهش

هدف این پژوهش بررسی علل توسعه از دیدگاه دو رویکرد اقتصادی است که در کشور ما از طرفداران زیادی برخوردار هستند. ما سعی می‌کنیم تا تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو رویکرد را استخراج کنیم. پس ما ابتدا در فصل دوم به بررسی رویکرد نهادگرایی می‌پردازیم و پس از بیان کلیاتی درباره نهادگرایی، مهمترین مولفه‌های توسعه از دید نهادگرایی جدید را بررسی خواهیم کرد. به دلیل گستردگی بحث نهادگرایی جدید، ما از بین نهادگرایان جدید بیشتر به بررسی آثار و نظرات نورث و عجم اوغلو خواهیم پرداخت.

در فصل سوم مهمترین نظریات اقتصاد اسلامی درباره توسعه را بررسی خواهیم کرد و با استخراج مهمترین این مولفه‌ها، نظریه اسلامی درباره توسعه اقتصادی را توضیح خواهیم داد.

در فصل چهارم هم با بیان نقاط مشترک این دو رویکرد و بعد از آن مشخص کردن وجه تمایزات، مقاله را پایان خواهیم داد.

فصل ۲: دلایل توسعه یافتگی از منظر اقتصاد نهاد گرائی

در طول این فصل ما ابتدا سعی خواهیم کرد تا ضمن ارائه انتقاد نهادگرایان به نئوکلاسیک‌ها، توضیحی کوتاه درباره نهادگرایی ارائه دهیم. پس از آن مفاهیم کلی (حقوق مالکیت، دولت، نهاد) مورد نیاز برای فهم نظریه نورث را توضیح می‌دهیم و در آخر نظریه توسعه را از منظر نورث و عجم اوغلو بررسی خواهیم کرد.

۲-۲- اقتصاد نهادی جدید

اقتصاد نهادگرایی جدید یکی از نحله‌های متعلق به گستره نهادگرایی است که با توسل به یافته‌های نهادگرایان قدیم و تاکید آن‌ها بر گنجاندن نهاد در تحلیل‌های اقتصادی، به همراه بهره‌گیری از برخی از بن‌انگاره‌های اقتصاد مرسوم توانسته موضوعات و ایده‌های جدیدی را مطالعه و بررسی کند. اقتصاددانان نهادگرایی جدید به دنبال آن بوده و هستند که با در نظر گرفتن و تاکید بر قواعد رسمی و غیررسمی، که زیربنای کلیه رفتارها و کنش‌های، کنشگران اقتصادی را تشکیل می‌دهند، تحلیل‌های دقیق‌تر، جامع‌تر و واقع‌گرایانه‌تری از پدیده‌های اقتصادی ارائه دهند. (مشهدی احمد، ۱۳۹۴؛ ۴۳۱)

بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی جوامع یا توسعه یافتگی، مهم‌ترین هدف سیاست‌گذاران و دولت‌مردان و مردم یک کشور است. از این رو اندیشمندان باید تلاش کنند تا پدیده‌ها و مولفه‌های توسعه را شناسایی کنند تا برای نیل به توسعه شناخت دقیقی از عوامل آن داشته باشیم. رویکرد مرسوم در علم اقتصاد به دلیل کاستی‌ها و نواقصی که دارد عموماً در شناخت این مساله و به تبع آن پیشنهاد سیاست‌گذاری دچار مشکل است. این رویکرد با دید جهان‌شمول نسبت به توسعه عموماً برای همه کشورهای در حال توسعه پیشنهادی یکسان و مشخص دارد و به تفاوت‌های فرهنگی، نهادی، اجتماعی، نظام سیاسی، ایدئولوژی، الگوهای رفتاری و.. این جوامع توجه نمی‌کند. این در حالی است که پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی به قدری در هم تنیده و ممزوج هستند که نمی‌توانیم با رویکردی جهان‌شمول به فهم مسائل و رویدادها نایل شویم.

به عنوان مثال اغلب خصوصی سازی و رقابت به عنوان اکسیری برای نیل به توسعه و رشد توسط اقتصاددانان رویکرد نئوکلاسیک عنوان می‌شود. آن‌ها معتقدند خصوصی سازی به عنوان یک سازوکار از فرایند قیمت‌گذاری بازار تاثیر می‌پذیرد و می‌تواند با توجه به ایجاد رقابت دائماً نتیجه بهتری نسبت به قبل

ایجاد کند. همین اتکا به بازار از دید اقتصاد مرسوم باعث می‌شود تا آنان وجود کنترل اجتماعی برای فعالیت‌های اقتصادی را غیر مفید و حتی مضر بدانند. حال آنکه ما شاهدیم که نیروهای بازار فعالیت‌های اقتصادی را کنترل نکرده‌اند، بلکه برعکس توسط نهادهای اقتصادی و سیاسی تحت کنترل درآمده‌اند. این گزاره بخصوص در مورد کشورهایی (بخصوص در آمریکای لاتین) که در آن‌ها سیاست‌های خصوصی‌سازی اجرایی شده است اما با گذشت چند سال مجدداً با استیلای نهادهای سیاسی و اقتصادی به شکست منجر شده است کاملاً نمایان است.

اما اقتصاددانان نهادگرا به جای توجه به نظریه‌ها و قوانین جهان‌شمول، شرایط واقعی را مورد بررسی قرار می‌دهند. نهادگراها هیچگاه خصوصی‌سازی را به عنوان اکسیری برای عملکرد خوب اقتصادی که می‌تواند مشکلات نظام اقتصادی را برطرف کند نگاه نمی‌کنند. آنان سعی دارند تا با رویکردهای نهادی و برقراری پیوند بین علم اقتصاد و سایر علوم نظیر (روان‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ و...) و در نظر گرفتن همه ابعاد نهادی مسئله، دنیا را آنچنان که بوده، هست و خواهد بود بفهمند و تبیین کنند. در حقیقت مهم‌ترین دغدغه این رویکردهای اقتصادی فهم دنیای حقیقی می‌باشد. (مشهدی احمد، ۱۳۹۴؛ ۲۲۹)

مشهدی احمد در کتاب اقتصاد نهادگرا، در مورد لزوم پرداختن به اقتصاد نهادگرایی، کشورهای درحال توسعه را همچون زمینی می‌داند که فرهنگ، مذهب، آداب و رسوم، عادات فکری، نهادهای اجتماعی و اقتصادی، ایدئولوژی و... لایه‌های مختلف آن را تشکیل می‌دهند، در آن صورت ممکن است بتوان نشان داد که بذر پارادایم‌های بدیل اقتصادی در این زمین‌ها خرمن پربارتری به دست می‌دهد. و این بدان خاطر است که این رویکردها حتی المقذور این مقولات را از تحلیل‌های خود حذف نمی‌کنند. در حقیقت، از آنجایی که این رویکردها فرهنگ، مذهب، آداب و رسوم و.. را در تحلیل‌های خود و در چارچوب‌های نظری مورد توجه قرار می‌دهند، پس منطقاً باید انتظار داشته باشیم که تبیین واقع‌بینانه‌تری از امور ارائه دهند. (مشهدی احمد، ۱۳۹۴؛ ۲۲۹)

نهادگرایان جدید و به خصوص نورث و عجم اوغلو در پی آن‌اند تا با بررسی سیر تاریخی جوامع و تمدن‌های مختلف دلیل و موجبات رشد و توسعه در جوامع و همچنین دلایل عقب‌ماندگی جوامع و سقوط تمدن‌ها را تبیین کنند. نورث با تشخیص این مهم که تعادل نئوکلاسیکی تحقق‌ناپذیر است و اینکه ساختار

حقوق مالکیت به همراه دولت و تکامل نهادی جامعه موضوعاتی هستند که عملکرد اقتصادی را تعیین می‌کنند به این نتیجه می‌رسد که تاریخ اهمیت دارد.

آنان برای نیل به هدف خود درباره علل توسعه به بررسی تاریخی تمدن‌ها و کشورها می‌پردازند تا سیر روشن و مشخصی را برای علل ظهور و سقوط تمدن‌ها پیدا کنند. از دیدگاه نهادگرایان، تاریخ و روش تاریخی در تحلیل نهادها جایگاه برجسته و متمایزی دارد که هم ریشه‌های فهم ضرورت تغییر و هم سازوکارهای تحقق آن را آشکارتر می‌کند. از این رو نهادگرایان با استفاده از مثال‌های روشن تاریخی و تبیین‌های تاریخی اقدام به علت‌یابی توسعه و سقوط جوامع می‌کنند. توجه نورث به تاریخ اقتصادی به قدری است که وی توضیح ساختار و عملکرد اقتصادها در گذر زمان را از وظایف تاریخ اقتصاد می‌داند (نورث، ۱۳۷۹: ۱۳). نورث و عجم اوغلو به ما نشان می‌دهند چگونه مردم خاورمیانه که در روزگاری از صنعت و علم بهره‌مند بودند، الآن اوضاع خوبی ندارند و در عوض انگلستان که در همان زمان‌ها از سطح زندگی پایینی برخوردار بود الآن به کشوری توسعه‌یافته تبدیل شده‌است.

۲-۳ مولفه‌های توسعه از منظر نورث

پس از بررسی‌های تاریخی نورث، وی علل مختلفی را برای موفقیت یک اقتصاد موثر می‌داند که خود او مهم‌ترین این علل را در نهادها، حقوق مالکیت و دانش می‌داند و در آثار مختلف خود این نکته را تصریح می‌کند.

وی بیان می‌کند برای تبیین عملکرد اقتصادی باید نظریه‌ای در باب تغییرات جمعیت شناختی، نظریه رشد ذخیره دانش و نظریه نهادی ساخته شود. تاکید نورث بر نظریه نهادی است. وی عناصر سازنده نظریه نهادی را اینگونه می‌داند:

۱. نظریه‌ای در باب حقوق مالکیت که انگیزش‌های فردی و گروهی را در نظام مشخص می‌سازد.
۲. نظریه‌ای در باب دولت، زیرا دولت است که حقوق مالکیت را تعریف و اجرا می‌کند.
۳. نظریه‌ای در باب ایدئولوژی که تعیین می‌کند چگونه ادراک‌های متفاوت از واقعیت بر عکس‌العمل افراد در برابر وضعیت عینی در حال تغییر، تاثیر می‌گذارد. (نورث، ۱۳۷۹: ۱۸)

نورث بهبود عملکرد اقتصادی را به معنای کاهش هزینه‌های تولید و هزینه‌های مبادلاتی می‌داند و اصلاح نهادی را کلید تحقق این هدف عنوان می‌کند. وی همچنین اقدامات زیر را برای تحقق اصلاح نهادی ضروری می‌داند:

۱. ایجاد یک نظام یکنواخت اوزان و سنجه‌ها، بررسی فناوریانه برای اندازه‌گیری و سنجش مناسب‌تر و تصریح بهتر حقوق مالکیت؛

۲. ایجاد یک نظام قضایی کارآمد به منظور کاهش هزینه‌های اجرای قرارداد؛

۳. توسعه نهادها به منظور یکپارچه‌سازی دانش پراکنده در یک جامعه و نظارت و سنجش توافقات و داوری درباره اختلافات. (نورث، ۱۳۹۷: ۲۳۹)

همچنین عجم اوغلو با تاکید بر نهادهای فراگیر، ویژگی بارز این نهادها را دارا بودن مالکیت خصوصی مطمئن، نظامات حقوقی بی‌طرف، خدمات عمومی و اجازه برای خلق کسب‌وکارهای جدید می‌داند و تقریباً با نظرات نورث در این باره موافق است. در واقع عجم اوغلو هم عوامل موثر بر توسعه را همانند نورث در حقوق مالکیت، دانش و دولت می‌داند و البته نقش دولت و نهادهای سیاسی را در تحقق اهداف توسعه پررنگ‌تر عنوان می‌کند.

در موارد مورد اشاره نورث در بالا می‌توان به نقش مهم نهادها، حقوق مالکیت، دولت (برای نظارت، قضاوت و یکپارچه‌سازی و نیز اجرای حقوق مالکیت) و نیز نقش دانش اشاره کرد. که ما در زیر به بررسی تک‌تک این موارد به حد ضرورت می‌پردازیم.

۲-۴- نقش نهادها

۲-۴-۱- تعریف نهاد

«نهادها قواعد بازی در جامعه هستند، یا به عبارتی سنجیده‌تر قیودی هستند وضع شده از جانب بشر که روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر را شکل می‌دهند. در نتیجه نهادها سبب ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند، چه این مبادلات سیاسی باشند چه اقتصادی و چه اجتماعی». (نورث، ۱۳۷۷:

(۱۹)

نهادهای قواعد غیر رسمی (محدودیت‌های غیررسمی) و قواعد رسمی (محدودیت‌های رسمی) جامعه هستند که به فرآیند تصمیم‌گیری و رفتار افراد شکل می‌دهند (آن را تقویت کرده یا محدود می‌سازند). یکی از تفاوت‌های مهم قواعد غیررسمی از قواعد رسمی آن است که اولی برای اجرا به قدرت قهری دولت اتکا ندارد، حال آنکه دومی تا حد زیادی به این قدرت وابسته است. (مشهدی احمد، ۱۳۹۴؛ ۴۴۴)

نهادهای وجود دارند چون هزینه‌های مبادلاتی وجود دارد؛ مثلاً برای اندازه‌گیری ابعاد ارزشمند چندگانه یک کالا یا خدمت؛ محافظت از حقوق مالکیت فردی، یکپارچه سازی دانش پراکنده جامعه و اجرای توافقات موردی هستند که در آنها هزینه‌های مبادلاتی وجود دارند.

چارچوب نهادی از دیدگاه نورث ترکیبی از بایدها و نبایدها را برای عمل انسانی و اجتماعی تعیین می‌کند که تجلی‌گاه‌های آن در زبان، نظام باورها و تولیدات مادی هر جامعه قابل مشاهده است وی عملکرد اقتصادها را مستقیماً تحت تاثیر ساختار نهادی می‌داند. «نهادهای ساختار انگیزه‌بخش جوامع و بخصوص اقتصادها را تعیین می‌کنند. نهادهای و فناوری مورد استفاده، هزینه‌های مقام اجراء و دگرگونی را به هزینه‌های تولید اضافه می‌شوند، تعیین می‌کنند». (نورث، ۱۳۸۵: ۲۸۳)

۲-۴-۲- سازمان‌ها و نهادهای

تعامل بین نهادهای و سازمان‌ها است که تحول نهادی اقتصادی را شکل می‌دهد. اگر نهادهای را قواعد بازی بدانیم سازمان‌ها و کارآفرینان فعال در آنها بازیگران آن خواهند بود.

شکل‌گیری سازمان‌ها بازتاب فرصت‌هایی است که ماتریس نهادی فراهم می‌آورد؛ بدین معنا که اگر چارچوب نهادی، بهره‌برداری غیر مجاز را تشویق کند سازمان‌هایی با این ماهیت پا به عرصه وجود می‌گذارند و اگر چارچوب نهادی، فعالیت‌های تولیدی را ترغیب کند سازمان‌هایی (شرکت‌هایی) پامی‌گیرند تا وارد عرصه تولید شوند. تاثیر نهادهای به گونه‌ای است که عجم‌اوغلو می‌گوید: «بیل گیتس به این دلیل موفق است که نهادهای امریکا، امکان راه‌اندازی آسان شرکت، تامین مالی، استخدام نیروی کار ماهر، امنیت حقوق مالکیت را در محیطی با ثبات و آرام تضمین می‌کنند». (عجم اوغلو، ۱۳۹۵: ۷۰)